



خال هندو

هادی ابوی

حافظ گفت :

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

و صائب گفت :

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سرو دست و تن و پا را
هر آنکس چیز می بخشد زمال خویش میبخشد
نه چون حافظ که میبخشد سمرقند و بخارا را

و شهریار گفت :

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم تمام روح و اجزا را
هر آنکس چیز میبخشد بسان مرد میبخشد
نه چون صایب که میبخشد سرو دست و تن و پا را
سرو دست و تن و پا را به خاک گور میبخشد
نه بر آن ترک شیرازی که برده جمله دل ها را

و عباد زاده گفت :

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
خوشا بر حال خوشبختش بدست آورد دنیا را
نه جان و روح میبخشم نه املاک بخارا را
مگر بنگاه املاکم؟ چه معنی دارد این کارها؟
و خال هندویش دیگر ندارد ارزشی اصلا
که با جراحی صورت تحمل کردند خالها را
نه حافظ داد املاکی نه صائب دست و پا ها را
فقط میخواستند اینها - بگیرند وقت ما ها را